

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی

عنوان پژوهش

۶. راهکارهای مشارکت مردم در اداره
حکومت اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۹

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۲۷



شناسنامه

عنوان:

نقش مردم در تشکیل، اداره و حفظ حکومت اسلامی
۶. راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی

مؤلف:

علی فتاحی زفرقندی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
مقاصد حکومت اسلامی.....	۳
۱- راهکارهای مشارکت حکومتی:.....	۷
۱-۱- همکاری در اجرای فرامین حکومتی و حضور فعال در تقویت حکومت:.....	۷
۱-۲- مشارکت در تصدی امور حکومت:.....	۸
۱-۳- مشارکت در انتخاب کارگزاران:.....	۹
۱-۴- مشارکت در تامین منابع مالی حکومت اسلامی:.....	۱۰
۲- راهکارهای مشارکت مردمی :.....	۱۲
۲-۱- مشارکت تکمیلی:.....	۱۳
۲-۲- مشارکت اصلاحی:.....	۱۴
۲-۳- مشارکت ابتدایی:.....	۱۶
نتیجه گیری:.....	۱۸
منابع و ماخذ.....	۲۰

چکیده

مشارکت مردمی یا مسئولیت پذیری امت در راستای تحقق اهداف حکومت اسلامی وظیفه و تکلیف همه مسلمان تلقی می‌گردد و مبانی دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر، لزوم فرمانبرداری، مشورت و خیرخواهی برای امام مسلمین از این تکلیف خبر می‌دهد. اما پس از اثبات لزوم مشارکت مردمی در حکومت، آنچه ضروری به نظر می‌رسد راهکارها و شیوه‌هایی است که از طریق آن می‌توان در حکومت اسلامی مشارکتی فعال داشت. به نظر می‌رسد برای مشارکت فعال در حکومت اسلامی دو دسته راهکار «مشارکت حکومتی» که در آن‌ها حکومت اسلامی زمینه‌های انجام مشارکت را برای مردم طراحی می‌نماید و «مشارکت مردمی» که در آن عرصه‌های مشارکت از ابتدا به وسیله مردم تعریف می‌گردد قابل طرح است. هرچند حکومت اسلامی مسئولیت اصلی در تحقق اهداف را بر عهده دارد اما نقش مردم در این زمینه چه به صورت ابتدایی و چه به عنوان بدنه اصلی و قوه محرک حکومت نیز قابل چشم پوشی نیست.

واژگان کلیدی: مشارکت فعال، اهداف حکومت اسلامی، مشارکت حکومتی، مشارکت منفعل، امت اسلامی

مقدمه

مشارکت فعال مردم در مفهوم سهیم و شریک شدن افراد جامعه و پذیرش مسئولیت در فعالیت‌ها و وجوه گوناگون زندگی اجتماعی جهت دستیابی به اهداف مشخص بر مبنای تعالیم دینی و منابع شرعی وظیفه و تکلیف آنان تلقی می‌گردد و عموم جامعه اسلامی موظفند در راستای تحقق اهداف حکومت دینی مشارکت نمایند. اما پس از روشن شدن تکلیف مردم در پذیرش آگاهانه و فعالانه مسئولیت در حکومت اسلامی آنچه دارای اهمیت است مطالعه راهکارهای مشارکت مردم در حکومت اسلامی است. به عبارت دقیق‌تر مردم در جهت سهیم و شریک شدن و پذیرش مسئولیت در فعالیت‌ها و وجوه گوناگون زندگی اجتماعی جهت دستیابی به اهداف مشخص در حکومت اسلامی چه راه‌هایی را پیش رو خواهند داشت؟ آیا مردم جهت مشارکت تنها محدود به حیطه‌ها و زمینه‌های فراهم شده به وسیله حکومت هستند و یا آن که موظفند خود عرصه‌هایی را طراحی نموده و نظام اسلامی را به سوی اهداف طراحی شده به وسیله خداوند متعال سوق دهند؟ در صورتی که مردم خود امکان ایجاد مشارکت را داشته باشند محدود به چه عواملی هستند؟

از آن جا که در تعریف مشارکت سه رکن مسئولیت پذیری، در راستای هدف بودن و همکاری آگاهانه و فعالانه به عنوان ارکان اصلی تعریف محسوب می‌گردد از همین رو مطالعه اهداف حکومت اسلامی جهت فهم مشارکت و تبیین راهکارهای آن ضروری به نظر می‌رسد. به همین جهت در راستای فهم صحیح از راهکارهای مشارکت مردمی در حکومت اسلامی ضروری است به صورت مختصر اهداف حکومت اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد تا مبتنی بر آن راهکارهای مشارکت در حکومت اسلامی نیز قابل احصا باشد.

مقاصد حکومت اسلامی:

در جامعه انسانی هر رفتاری جهت دستیابی به هدفی خاص صورت می‌گیرد و اهداف عامل تحرک فرد و جامعه به سوی مقاصد برتر و عالی است. به عبارت دقیق‌تر با روشن شدن اهداف، نتایج کلی و افق‌های حرکت مشخص می‌گردد و از این طریق ایده آل‌ها، مطلوبیت‌ها و منت‌های سیر روشن می‌گردند. این امر همان گونه که در

رفتار فردی تک تک افراد بشر موجود است در همه نظام‌های سیاسی نیز مشاهده می‌گردد. بنابراین هر نظام سیاسی به عنوان یک واقعیت خارجی دارای مجموعه‌ای از اهداف است که آرمان‌ها و مطلوبیت‌های آن را نشان می‌دهد و مسیر حرکت مجموعه حکومت باید به نحوی طراحی گردد که محقق کننده این اهداف باشد.

اهداف جوامع بشری را می‌توان از حیث نوع و نحوه تحقق به اهداف غایی و میانی تقسیم بندی نمود. اهداف گاهی بیانگر منتهای مسیر حرکت می‌باشند و به عبارت دیگر مطلوب نهایی را بیان می‌نمایند که به آن اهداف غایی می‌گویند و دسته‌ای از اهداف خود مرحله و گامی برای دستیابی به اهداف غایی می‌باشند که از آن‌ها تحت عنوان اهداف میانی یاد می‌گردد. (فوزیه کریمی، ۱۳۸۹، ۱۳) برای نمونه مطالعه‌ای بر اهداف نظام‌های سکولار نشان می‌دهد که این حکومت‌ها در سیر نهایی خود به دنبال تحقق کامیابی دنیایی انسان‌ها هستند. به عبارت دیگر نظام سکولار هدف غایی خود را تحقق رضایت انسان و به سامان رساندن زندگی وی در همین دنیای مادی می‌داند. در تفکر حکومت‌های سکولار دولت‌ها با هدف سر و سامان دادن به زندگی افراد جامعه جهت ادامه حیات مسالمت آمیز در کنار یکدیگر تشکیل می‌گردند و بر اساس همین هدف نهایی سایر اهداف میانی نیز تعریف می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۶۷) بر این اساس اصلی‌ترین اهداف میانی در حکومت‌های سکولار ایجاد رفاه و تحقق نظم و امنیت عمومی است؛ چرا که دستیابی به رضایت و کامجویی از زندگی دنیایی به عنوان هدف غایی تنها در سایه رفاه مادی، نظم و امنیت جانی و مالی محقق می‌گردد و از همین رو است که مردم در این گونه نظام‌ها حاضر می‌شوند از بخشی از آزادی و رفاه خود در برابر تحقق رضایت در زندگی دنیایی بگذرند. (فوزیه کریمی، ۱۳۸۹، ۱۴)

در حکومت اسلامی نیز بر مبنای دستورات دین مبین اسلام حکومت دارای اهداف مشخصی است که می‌توان آن را در همان دو سطح اهداف غایی به عنوان اصلی‌ترین اهداف حکومت اسلامی و اهداف میانی که زمینه ساز تحقق اهداف نهایی است دسته بندی نمود. فقهای شیعه در بررسی منابع شرعی اهداف و مقاصدی را برای حکومت اسلامی بیان نموده‌اند که می‌توان به شیوه مرسوم در دو دسته مذکور تقسیم بندی نمود. هدف غایی از حکومت اسلامی بستر سازی و هدایت گری در جامعه در راستای تقرب افراد به خداوند متعال از طریق عبودیت است (ولایت فقیه

جوادى، ۱۳۹۰، ۱۰۰). به عبارت دیگر حکومت اسلامی تنها عهده دار تحقق رضایت و کامیابی مادی و دنیوی در زندگی افراد نیست بلکه مقصد اصلی از تشکیل حکومت دینی سعادت اخروی در پرتو زندگی مادی می‌باشد. بنابراین هدف غایی از حکومت اسلامی سعادت اخروی از طریق سعادت دنیوی است. اهداف میانی نظام اسلامی نیز بر مبنای همین هدف غایی و نهایی تعریف می‌گردد. بنابراین اقامه قسط و عدل، برقراری نظم و امنیت، تعلیم و تربیت و ارتقاء سطح فرهنگ اجتماعی بر مبنای شریعت، تأمین رفاه و ریشه کن نمودن فقر، گسترش شعائر اسلامی (نصرتی، ۱۳۸۳، ۱۶۰-۱۶۶)، بازگشت به اسلام راستین و احیای سنت‌های فراموش شده و اجرای مقررات اسلامی (مطهری، ۱۳۸۵، ۸۰-۸۴) از جمله مهم‌ترین اهداف میانی حکومت اسلامی محسوب می‌گردد.^۱ لازم به ذکر است اهداف ذکر شده تنها بخشی از اهداف حکومت اسلامی به حساب می‌آید و می‌توان مجموعه اهداف میانی حکومت اسلامی را ذیل عنوان هدف اقامه دین خلاصه نمود (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ۲۹) و از آن جا که رسالت این مقاله احصاء اهداف حکومت اسلامی نیست به همین موارد اکتفا می‌نماید. از آن جا که از یکسو هدف غایی حکومت اسلامی دستیابی به سعادت آخرت و رسیدن انسان به مقام خلیفه الهی می‌باشد و مجموعه اهداف میانی که مقدمه و گامی جهت دستیابی به اهداف نهایی است نیز در راستای همین مقصود طراحی می‌گردد، و از آن جا که مشارکت، حضور فعال و سهمی شدن در امور اجتماعی در راستای پیشبرد و تحقق اهداف است می‌توان راهکارهای مشارکت در حکومت اسلامی را بر همین اساس ترسیم نمود.

«راهکار» به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که جهت پاسخ گویی و حل مسایل به کار می‌رود. (دهخدا، بی تا، راهکار) و «راهکارهای مشارکت» در حکومت اسلامی نیز به مفهوم مجموعه اقداماتی است که امت اسلامی با تصدی آن در امر اداره

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

۱- مبانی فقهی حکومت اسلامی، حسین علی منتظری، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ج ۳، مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ه ق، ۲۹ به بعد

۲- ساختار حکومت در اسلام، حیات الله یوسفی، ۱۳۸۹، کانون اندیشه جوان، ۷۱ به بعد

۳- معیارهای اسلامی بودن حکومت، سید جواد ورعی، ۱۳۸۸، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۸۷ به بعد

حکومت سهیم می‌گردند. به عبارت دیگر راهکارهای مشارکت فعال در نظام اسلامی؛ شیوه‌ها و راه‌هایی است که مردم با پذیرش مسئولیت در زمینه‌های مذکور، عهده دار مسئولیت اداره حکومت اسلامی و پیشبرد آن به سوی اهداف عالیه می‌گردند.

با نگاهی به مجموعه راهکارهای مشارکت عمومی در حکومت اسلامی می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی راهکارهای حکومتی و راهکارهای مردمی تقسیم بندی نمود. مقصود از راهکارهای مشارکت حکومتی در نظام اسلامی آن دسته از اموری است که حکومت اسلامی به صورت ابتدایی امکان مشارکت مردم در آن را فراهم نموده است و امت اسلامی موظف است ضمن کسب آمادگی‌های لازم جهت پذیرش مسئولیت در این امور اقدام نماید. راهکارهای مردمی نیز مجموعه اقداماتی است که مردم به صورت خودجوش و در جهت انجام تکلیف شرعی خود مبتنی بر ادله لزوم مشارکت فعال در حکومت اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت همگانی مسلمانان نسبت به یکدیگر، نصیحت و خیر خواهی برای امام مسلمین، مشورت و لزوم فرمانبرداری از حاکم اسلامی، طراحی نموده‌اند تا از این طریق از یکسو وظیفه شرعی خود را ادا نمایند و از سوی دیگر حکومت اسلامی را در مسیر دستیابی به اهداف میانی و غایی خود یاری کنند. از همین رو و به منظور درک دقیق‌تر تفکیک صورت گرفته میان عرصه‌های مشارکت مردم در حکومت اسلامی به بررسی برخی از زمینه‌های مشارکت حکومتی و برخی زمینه‌های مشارکت مردمی می‌پردازیم.

پیش از ورود به مصادیق لازم به ذکر است که فایده تقسیم بندی مشارکت در حکومت اسلامی به مشارکت حکومتی و مشارکت مردمی از این جهت می‌باشد که وظیفه مردم در انجام تکلیف مشارکت فعال در امر اداره حکومت اسلامی به وضوح روشن می‌گردد؛ چرا که بر این مبنا تحقق هر یک از اهداف حکومت اسلامی که مجموع آن ذیل عنوان هدف اقامه دین قابل جمع می‌باشد نیازمند مشارکت مردمی است. در این راستا هر امری که امکان سهیم شدن و پذیرش مسئولیت مردم در آن به وسیله حکومت فراهم گردد ذیل عنوان مشارکت حکومتی قرار می‌گیرد و در مورد سایر عرصه‌ها مردم مکلفند که زمینه‌های لازم جهت محقق نمودن مقاصد حکومت را با حضور فعالانه و آگاهی کامل و مسئولیت پذیری و سهیم شدن در امور مهیا نمایند.

۱- راهکارهای مشارکت حکومتی:

مقصود از مشارکت حکومتی آن دسته از اموری است که امکان ابتدایی مشارکت مردمی در آنها به وسیله حکومت فراهم می‌گردد و امت اسلامی موظفند با کسب آمادگی‌های لازم جهت حضور در عرصه‌های مشارکت اقدام نمایند. در مقام بیان برخی از شیوه‌ها و راه‌های حضور و فعالیت حکومتی مردم در حکومت اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۱- همکاری در اجرای فرامین حکومتی و حضور فعال در تقویت حکومت:

حکومت‌ها در راستای تمشیت امور و پیشبرد اهداف خود مجموعه فرامینی را صادر می‌نمایند که می‌توان از جمله آنان به قوانین عمومی، فرامین رییس کشور، مجموعه مقررات و آیین نامه‌های دولتی اشاره نمود. حکومت اسلامی خود را در چارچوب احکام و قوانین اسلام محدود می‌نماید و به دنبال اجرای دستورات خداوند در تمام سطوح فردی و اجتماعی است و ارکان حکومت به برنامه ریزی در جهت تحقق این اهداف می‌پردازند. به عبارت دیگر در حکومت اسلامی قوه مقننه در راستای برنامه ریزی در محدوده احکام اسلام اقدام می‌نماید (خمینی، ۱۴۲۳، ۵) از طرف دیگر ممکن است بر اساس مصالح امت اسلامی حاکم اقدام به صدور فرامین حکومتی نماید (طباطبایی، ۱۳۵۴، ۶۵) اما آنچه در کنار قانون گذاری و برنامه ریزی جهت اجرای احکام اسلام دارای اهمیت است اجرای فرامین به وسیله مردم و همراهی آنان است چرا که قانون تا زمانی که اجرا نشود در عمل تاثیری در پیشبرد حکومت و وضعیت جامعه ایجاد نخواهد کرد. بنابراین اولین و بارزترین جلوه مشارکت فعال مردم در حکومت اسلامی مسئولیت پذیری و سهیم شدن در اجرای فرامین حکومتی و همراهی با حاکم اسلامی و نهادهای حکومتی است. علاوه بر اجرای فرامین، حکومت اسلامی زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که حضور فعالانه و مشارکت آگاهانه مردم در آن موجب تقویت پایه‌های نظام اسلامی می‌گردد که شرکت در راهپیمایی‌ها از جمله آنان به حساب می‌آید. در نتیجه بنابر ادله‌ای مانند حفظ نظام، لزوم فرمانبرداری از حاکم و تقویت پایه‌های حکومت اسلامی مردم باید در جهت اجرای قوانین و مقررات حکومت و همه عرصه‌های اجتماعی که موجب استحکام قدرت نظام اسلامی می‌گردد مشارکت فعال و آگاهانه ای داشته باشند.

۱-۲- مشارکت در تصدی امور حکومت:

مشارکت فعال مردمی در پذیرش مناصب حکومتی به این معنا است که مردم در حکومت اسلامی در امر اداره امور نظام سیاسی سهیم گردیده و با پذیرش مسئولیت‌های حکومتی، ولی مسلمین را در دستیابی به مقاصد جامعه اسلامی یاری نمایند. تبیین این موضوع نیازمند بیان این نکته است که بر اساس نظریه فقه‌های شیعه پس از تشکیل حکومت اسلامی اداره همه شئون حکومت در اختیار امام معصوم و در دوره غیبت در اختیار فقیه جامع الشرایط است (مومن قمی، ۱۳۹۱، ۳۱۲). بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمومنین علیه السلام حاکم اسلامی مسئول حفظ کیان امت و موظف به اداره امور بر اساس ضوابط و مقررات اسلام می‌باشد. اوست که از یکسو مکلف به اصلاح و اداره حکومت اسلامی است و از سوی دیگر در برابر فساد جامعه مسئول است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۰۵). به عبارت دیگر در حکومت اسلامی مشروعیت اعمال حاکمیت و همه متفرعات ناشی از حکومت در دست حاکم است و او مسئول همه امور حکومتی در حکومت اسلامی می‌باشد. بنابر این شئون سه گانه حکومت اعم از تقنین، قضا و اجرا در حکومت اسلامی در اختیار حاکم اسلامی است و همه قوای حکومتی تحت اراده و نظارت وی اداره می‌گردند. (طهرانی، ۱۴۲۱، ج ۳، ۲۲۰-۲۲۱) اما این امر به این معنا نیست که همه امور حکومت مانند امر قانون گذاری، امر قضاوت و امر اجرا به وسیله شخص حاکم اسلامی اداره یا اعمال می‌گردد بلکه از آن جا که دامنه اهداف و در پی آن وظایف حکومت اسلامی بسیار گسترده است، هرچند مسئولیت مستقیم اداره امور با امام مسلمین می‌باشد اما او برای انجام این وظیفه نیازمند به تشکیل ادارات و نهادهایی جهت اداره حکومت و همراهی کارگزاران و مشاورانی معتقد، متخصص و کاردان است تا عهده دار مسئولیت‌های گوناگون حکومتی گردند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۰۷). در نتیجه اداره حکومت اسلامی مطابق اوامر خداوند متعال مستلزم وجود کارگزاری جهت همراهی و یاری حاکم است که این امر لزوم مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی را بر اساس مبانی دینی اثبات می‌نماید. چرا که در حقیقت حاکم اسلامی به تنهایی نمی‌تواند دولت اسلامی را اداره کند و نیازمند به یاری کارگزاری دارای شرایط است.

از سوی دیگر فقها ضمن بررسی منابع شرعی و ادله دینی جهت تصدی مناصب

حکومتی، شرایط خاصی را برای تصدی این مناصب بیان نموده‌اند. مردم در راستای مشارکت فعال در امر اداره حکومت اسلامی و پذیرش مناصب حکومتی موظفند شرایط لازم جهت تصدی این مناصب را در خود ایجاد نمایند. برای نمونه در کتب فقهی شرایط قاضی در اسلام مورد بررسی قرار گرفته و از جمله شرایط او در اسلام بلوغ، عقل، عدالت و مذكر بودن و... می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۰، ۱۹۴) و یا شرایط ویژه‌ای برای وزرا و کارگزاران اجرایی بر اساس آیات و روایات بیان گردیده است که می‌توان از ایمان، خرد و عدم سفاهت، علم و امانت، توانمندی و... نام برد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۹۷) بنابراین بر عموم مسلمانان واجب است که در حد کفایت خود را برای تصدی مناصب آماده نمایند و پس از کسب صلاحیت‌های لازم با اعلام آمادگی، خود را در معرض انتخاب قرار دهند تا با بر عهده گرفتن مناصبی مانند قضاوت، فرماندهی نظامی، اداره امور اجتماعی و سیاسی و... از یک سو به وظیفه شرعی خود در زمینه مشارکت در حکومت اسلامی عمل نمایند و از سوی دیگر عاملی برای استمرار حکومت و عدم تعطیلی احکام الهی و پیشبرد اهداف حکومت اسلامی باشند. بر اساس نکات فوق می‌توان گفت از آن جا که همراهی، مسئولیت پذیری و سهیم شدن در امر اداره حکومت اسلامی از لوازم اداره و همراهی فقیه در دستیابی به اهداف حکومت اسلامی محسوب می‌گردد و بدون آن استمرار حکومت اسلامی غیر ممکن به نظر می‌رسد، یکی از عرصه‌های مشارکت حکومتی مردم پذیرش مسئولیت به عنوان کارگزاران حکومت خواهد بود که باید ضمن کسب شرایط لازم برای تصدی مسئولیت، حاکم اسلامی را در راه تحقق اهداف یاری نمایند.

۱-۳- مشارکت در انتخاب کارگزاران:

همان گونه که پیش از این بیان گردید از مبانی لزوم مشارکت فعال مردم در حکومت اسلامی، لزوم مشورت به حاکم اسلامی و نصیحت و خیرخواهی برای امام مسلمین است. از همین رو هنگامی که حاکم اسلامی زمینه‌ای را برای ارائه نظرات مردم فراهم می‌نماید، وجوب مشارکت فعال امت اسلامی اقتضا می‌کند که مردم نیز با حضور آگاهانه و مسئولانه او را یاری نمایند.

بر همین اساس یکی از جلوه‌های بارز مشارکت فعال و مسئولانه در حکومت‌های اسلامی در زمان حاضر، حضور در انتخابات‌هایی است که جهت گزینش کارگزاران

حکومتی در سطوح برنامه ریزی و تقنین و یا حوزه‌های اجرایی برگزار می‌گردد. انتخابات در اصطلاح مجموع فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین کارگزاران حکومت است و به عنوان ابزاری برای نمایش اراده شهروندان در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی محسوب می‌گردد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ۶۷۹) حاکم اسلامی نیز به علت آن که مردم با حضور در انتخابات از یک طرف در امور حکومت اسلامی مشارکت می‌نمایند و از طرف دیگر پذیرش برنامه‌های تهیه شده به وسیله نمایندگان برای مردم سهل‌تر است، در جهت گزینش افراد اصلح در راستای یاری او جهت دستیابی به اهداف والای حکومت اسلامی به آراء عمومی مراجعه می‌نماید. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۲۴) این در حالیست که هنگام مراجعه حاکم اسلامی به آراء عمومی، مردم نیز موظفند بر مبنای لزوم مشارکت فعال در حکومت اسلامی، علاوه بر انجام وظیفه حضور در انتخابات، نسبت به شرایط لازم برای تصدی مناصب حکومتی در عرصه‌های گوناگون آگاهی کسب نمایند و شرایط مذکور را با نامزدهای تصدی مناصب تطبیق دهند تا از این طریق فرد اصلح را که کفایت محافظت از قوانین اسلام و حقوق ضغفاء و شئون جامعه اسلامی را داشته باشد انتخاب کنند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۱۰۹). لازم به ذکر است همان گونه که قبلاً نیز بیان گردید از یکسو افرادی که خود را نامزد تصدی مناصب می‌دانند باید ویژگی‌های ذکر شده را در خود ایجاد نمایند و از سوی دیگر از آن جا که شرایط تصدی مناصب گوناگون در حکومت اسلامی متفاوت است نیازمند آشنایی با این ویژگی‌ها است تا انتخابی صحیح و مطابق با شرایط صورت پذیرد و افراد صاحب صلاحیت متصدی امور حکومت باشند. در نتیجه می‌توان گفت مشارکت در امر انتخابات یکی از راهکارهایی است که امکان آن به وسیله حکومت ایجاد می‌گردد و نیازمند حضور فعال و مسئولانه مردم در این امر است؛ به عبارت دیگر انتخابات یکی از راهکارهای مشارکت حکومتی در نظام اسلامی محسوب می‌گردد.

۱-۴- مشارکت در تامین منابع مالی حکومت اسلامی:

بی تردید همه حکومت‌ها جهت تحقق اهداف و انجام وظایف خود نیازمند منابع مالی می‌باشند. از آن جا که دستیابی به مقاصد و اجرایی نمودن وظایف نیازمند هزینه‌های فراوانی است؛ تامین منابع مالی امری ضروری به نظر می‌رسد (رستمی،

۱۳۹۰، ۳۴). هرچند میزان نیازمندی حکومت‌های مختلف به منابع مالی بستگی به اهداف و وظایفی دارد که آن‌ها برای خود ترسیم می‌نمایند. حکومتی که مجموعه وظایف خود را محدود به ایجاد نظم و دفاع از کشور می‌داند بسیار کمتر از حکومت‌هایی که به دنبال وظایفی مانند توسعه رفاه، افزایش سطح بهداشت و فرهنگ عمومی و مبارزه با بیکاری می‌باشند به منابع مالی نیازمند است. (امامی، ۱۳۸۷، ۹) در این میان حکومت اسلامی نیز از جهت نیازمندی به منابع مالی از سایر حکومت‌ها مستثنی نمی‌باشد، علاوه بر آن که ملاحظه اهداف عالی و وظایف حکومت اسلامی به ویژه در حوزه‌ای اقتصادی مانند تحقق عدالت اقتصادی، رفع فقر، ایجاد امنیت اقتصادی، گسترش عمران و آبادانی و... (رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ۳۳-۴۸) و حوزه‌های فرهنگی مانند گسترش معنویت در جامعه و فراهم نمودن فضای تقرب به خداوند و رشد و توسعه تربیت دینی به عنوان اصلی‌ترین وظایف و هدف غایی حکومت اسلامی (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ۲۹-۳۰) نیز نشانگر میزان نیازمندی آن به منابع مکفی درآمدی است. از همین رو باید با مراجعه به آثار و آراء فقها و صاحب نظران مالیه عمومی به بیان منابع مالی دولت اسلامی پرداخت.^۱ به طور کلی می‌توان درآمدهای حکومت اسلامی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: درآمدهای ثابت حکومت اسلامی که عبارتند از خمس و زکات و درآمدهای متغیر که از جمله آن می‌توان به خراج، فیه، انفال و کمک‌های مردمی اشاره نمود. خمس و زکات به عنوان مه‌ترین درآمدهای ثابت حکومت اسلامی محسوب می‌گردد. (رستمی، ۱۳۹۰، ۶۰) لازم به ذکر است که در صورت عدم کفاف هزینه‌های فوق جهت تامین هزینه‌های حکومت اسلامی و یا در راستای سیاست‌هایی مانند جلوگیری از تکاثر ثروت و رفع فقر و محرومیت، حاکم اسلامی می‌تواند به وضع مالیات اقدام نماید. (عمید زنجانی، موسی زاده، ۱۳۸۸، ۹۴)

اما آنچه مراد از بیان مجموعه منابع مالی حکومت اسلامی می‌باشد نقش تاثیرگذار مردم در تحقق درآمدها است؛ به عبارت دیگر همان طور که بیان گردید حکومت اسلامی برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود نیازمند تامین منابعی است که وصول

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

۱- حسین علی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸، انتشارات کیهان، ۱۴۰۹

۲- اسد الله بیات، منابع مالی دولت اسلامی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵

این منابع نیز منوط به مشارکت فعال مردم است و در صورت عدم ایفای وظیفه مردم در پرداخت درآمدها و سهم شدن آنان در تحقق منابع، حکومت اسلامی از دستیابی به مقاصد خود باز می‌ماند. برای نمونه خمس که یک پنجم درآمدهای حاصل از غنائم جنگی، معادن، گنج، عوارض و منافع کسب و کار است از واجباتی است که توسط امت اسلامی به عنوان بخشی از درآمد حکومت در عصر حضور به امام معصوم و در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط پرداخت می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۱۶۱). همه‌ی مبالغی که مردم برای خمس پرداخت می‌نمایند سهم بیت المال بوده و حاکم حق تصرف در آن را دارد. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۹۵) و یا آن که زکات به عنوان یکی از فروع دین یکی دیگر از منابع مالی حکومت اسلامی محسوب می‌گردد و به برخی اموال مردم از جمله گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره اختصاص می‌یابد. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ۱۱) بنابر آنچه از بیان قرآن کریم در مصارف زکات به دست می‌آید، زکات محدود به موارد مصرف ذکر شده نیست بلکه برای برطرف نمودن نیازهای جامعه اسلامی تشریع گردیده است و به عنوان مالیات اسلامی محسوب می‌گردد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۶، ۷۳) بر همین اساس مالیات نیز در صورت عدم کفاف هزینه‌های حکومت اسلامی و نیازمندی به منابع مالی بیشتر برای حفظ نظام و اداره شئون مختلف حکومتی بر امت اسلامی وضع می‌گردد و آنان نیز به عنوان «مقدمه واجب» موظف به مشارکت فعال در پرداخت آن می‌باشند. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۸، ۲۱۳). همان گونه که از نمونه‌های فوق که اصلی‌ترین منابع درآمدی حکومت اسلامی محسوب می‌گردد بر می‌آید، تحقق پیش بینی‌های درآمدی و تامین بخش عمده‌ای از منابع مالی در حکومت اسلامی تنها وابسته به مشارکت و مسئولیت پذیری مردمی است.

۲- راهکارهای مشارکت مردمی :

مقصود از راهکارهای مشارکت مردمی، راهکارهایی است که امت اسلامی با طراحی و برعهده گرفتن امور جاری مسلمانان و جامعه و مسئولیت پذیری در تحقق اهداف حکومت اسلامی در محدوده قوانین و تحت هدایت و نظارت رهبری به مشارکت در آنها می‌پردازند. در تبیین این تعریف باید بیان نمود که تحقق برخی

اهداف حکومت اسلامی منوط به مشارکت ابتدایی مردم است به نحوی که تمام مراحل طراحی، تاسیس و اداره مشارکت از طریق مردمی صورت می‌گیرد و بدون اینکه قبلاً حکومت زمینه خاصی را برای مشارکت مردم فراهم نموده باشد یا از آنان دعوت به مشارکت نموده باشد، مسلمانان خود با تشخیص برخی مشکلات یا کاستی‌های موجود در امور جامعه اسلامی به رفع آنها می‌پردازند.

از این رو می‌توان عرصه‌های مشارکت مردمی در حکومت اسلامی را در سه سطح مشارکت تکمیلی، اصلاحی و ابتدایی بررسی نمود.

۲-۱- مشارکت تکمیلی:

مشارکت تکمیلی به مفهوم طراحی راه حل و شیوه‌هایی است که از طریق آن مردم فعالیت‌های حکومت اسلامی را تکمیل می‌نمایند. در تبیین این قسم از راهکارهای مشارکت باید بیان داشت که حکومت اسلامی در برخی از عرصه‌ها مانند رفع فقر و ایجاد رفاه اقداماتی را انجام می‌دهد، اما ممکن است اقدامات حکومتی در زمینه‌های مذکور کفاف ندهد و اهداف حکومت اسلامی را به طور کامل محقق ننماید. بنابراین مردم موظفند در راستای تحقق مشارکت فعال در حکومت اسلامی و در محدوده مقررات جاری، عرصه‌هایی را ایجاد نموده و بر اساس آن نظام اسلامی را در دستیابی به مقاصد خود یاری نمایند. به عبارت دیگر مردم در تحقق مشارکت فعال تکمیلی به صورت خودجوش عرصه‌هایی را طراحی می‌نمایند تا از طریق آن حکومت اسلامی را یاری نمایند. برای نمونه می‌توان به چند عرصه زیر اشاره نمود:

مشارکت در عرصه حل و فصل دعاوی: هرچند قضاوت در جوامع امروزی امری حکومتی تلقی می‌گردد و برای رفع اختلافات و حل فصل خصومت‌ها در جامعه، به نهادی قضایی نیاز است که از سوی همگان به رسمیت شناخته شود (ورعی، ۱۳۸۱، ۳۶۳). بنابر این قضاوت یکی از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹، ۲۶) و حکومت موظف است جهت امر حل و فصل خصومت‌ها و اجرای احکام دین در محدوده قضا ساز و کارهای لازم را ایجاد نماید، اما این امر مانع مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی میان خود بدون رجوع به محاکم قضایی حکومتی نیست. برای نمونه یکی از مصادیق مشارکت تکمیلی مردم در امر قضا در حکومت اسلامی مراجعه به داوری پیش از رجوع به محاکم است. در داوری علاوه بر

این که در هزینه، وقت و آیین دادرسی نفع طرفین لحاظ می‌گردد، بار عمده‌ای از دعاوی مطرح در دستگاه قضا در حکومت اسلامی کاهش می‌یابد و از طرف دیگر همچنان امکان رجوع به محاکم موجود است. (گروه حقوقی، ۱۳۹۲، ۱۴) ایجاد سازو کارهای لازم جهت رجوع به داوری نیازمند مشارکت و سهیم شدن مردم در این امر است که خود تکمیلی بر روند قضا در کشور محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است که توجه به نقش مشارکتی مردم در پیشگیری از تحقق تخلف و جرم به وسیله بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی تاثیر بسزایی در کاهش بار نظام قضایی و تکمیل مسیر دستیابی به عدالت خواهد داشت.

مشارکت در رفع فقر و ایجاد رفاه: همان طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید یکی از وظایف حکومت اسلامی مبارزه با فقر و رفع هر گونه محرومیت از جامعه اسلامی است تا از این طریق اقشار کم درآمد که توانایی تامین برخی از نیازهای زندگی خود را ندارند در حد امکان بهره‌مند گردند. (نیازی، ۱۳۸۹، ۱۶۸) اما روشن است که منابع مالی و همچنین ابزارها و نیروی انسانی حکومت اسلامی کفاف این امر را نمی‌کند و رفع کامل فقر و حرکت به سمت و سوی رفاه نیاز به مشارکت مردمی دارد. بنابراین طراحی و تاسیس نهادهای مردمی به وسیله امت اسلامی از یک سو موجب حرکت نظام اجتماعی اسلامی به سمت اهداف عالیه ترسیم شده به وسیله خداوند متعال می‌گردد و از سوی دیگر مردم نیز با میل و رغبت و به صورت کاملاً داوطلبانه در این امر خیر شریک می‌گردند و به کمال نفسانی و ثواب اخروی دست می‌یابند. به عنوان نمونه وقف به عنوان نهاد حقوقی توانایی تحقق این امر را داراست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۵۶) که از این طرق می‌توان در راستای مشارکت فعال تکمیلی در حکومت اسلامی اقدام نمود. تاسیس مراکز خیریه و انجمن‌ها و بنیادهای حمایت از محرومین، بیماران خاص، کانون‌های ازدواج آسان و اموری از این دست از طریق راهکارهایی همچون ارائه وام‌های قرض الحسنه، کارآفرینی، ارائه کمک‌های مالی یا تخصصی و حرفه‌ای در این راستا بوده و باید تا حد امکان تقویت گردد.

۲-۲- مشارکت اصلاحی:

در بخش بررسی مبانی مشارکت مردم در حکومت اسلامی به قواعدی مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر، لزوم مشورت و قاعده النصیحه لائمه المسلمین

اشاره گردید که مبتنی بر آن امت اسلامی با حاکم خود در ارتباط بوده و او را از کاستی‌های موجود در حکومت آگاه می‌ساختند.^۱ برای نمونه در تاریخ مشاهده می‌گردد که امیرالمومنین علیه السلام برای اولین بار در حکومت اسلامی جهت ایجاد ارتباط میان امام و امت، اطلاع رسانی به مردم از وضعیت حکومت و بیان شکایات افراد از تصمیمات اتخاذ شده، اقدام به تأسیس نهادی به نام «بیت القصص» نمود تا به این وسیله اهداف فوق محقق گردد (محمدری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ۴۲۵) اما بر اساس مبانی پیش گفته می‌توان گفت اقدامات اصلاحی مردم در حکومت اسلامی تنها محدود به عرصه‌هایی نیست که حاکم اسلامی آن را فراهم نموده است، بلکه این امر نیازمند مشارکت فعال مردم در اصلاح حکومت اسلامی می‌باشد. بنابراین مشارکت اصلاحی در حکومت اسلامی به مفهوم حضور اجتماعی و مسئولیت پذیری مردم و سهیم شدن آنان در اصلاح و از بین بردن مشکلات و ایرادات موجود در امور است که به وسیله نهادهای حکومتی صورت می‌گیرد. هرچند این امر نیز محدود به قوانین و نظامات جاری در حکومت اسلامی می‌باشد اما امت مسلمان می‌تواند در همین حدود با طراحی عرصه‌هایی به اصلاح روند حرکت کشور بپردازند. برای نمونه می‌توان به عرصه‌های زیر به عنوان نمونه‌هایی جهت مشارکت اصلاحی اشاره نمود:

مشارکت در عرصه قانون گذاری: امروزه در جوامع مبتنی بر دموکراسی، مشارکت مردم در عرصه قانون گذاری به عنوان نمادی از حق حاکمیت مردم در عرصه‌های اجتماعی محسوب می‌گردد و از آن جا که عرصه قانون گذاری در این گونه نظام‌ها محدودیتی ندارد اشکال مختلفی از مشارکت مردمی در فرآیند قانون گذاری توسط مراجع ذی صلاح طراحی گردیده است. (رستمی، ۱۳۸۷، ۱۸۰) از آن جا که قوه مقننه در حکومت اسلامی نیز به دنبال برنامه ریزی در جهت اجرای شریعت اسلام است، می‌تواند از مجموعه نظرات کارشناسان استفاده نماید. به همین منظور از یکسو در جهت تکمیل فرآیند قانون گذاری و از سوی دیگر در راستای وظیفه مشارکت فعال مردم در اداره حکومت اسلامی، کارشناسان مکلفند با ایجاد ساختارهای مردمی پیش و پس از تصویب یک قانون نظرات تخصصی خود را در خصوص محتوای پیش نویس‌های قوانین و مقررات به نهادهای مربوط حکومتی ارائه نمایند. این موضوع در

۱. مشارکت در حکومت اسلامی حق یا تکلیف

مورد سایر مقرراتی که توسط نهادهای حکومتی وضع می‌گردد نیز صادق است. علاوه بر این بر مبنای اصل سلسله مراتب قوانین، قواعد مادون (بخشنامه‌ها و آیین نامه‌ها) نباید مغایر با قواعد مافوق در تعارض باشد و حکومت‌ها نهادهایی را برای بررسی این موضوع تأسیس می‌نمایند. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۲۰) در این خصوص نیز می‌توان بیان داشت مشارکت در اصلاح قاعده گذاری در حکومت اسلامی اقتضا می‌نماید که صاحب نظران با بررسی مقررات دولتی موارد متعارض با قواعد مافوق را به نهادهای صاحب صلاحیت اعلام نمایند. که این امر خود تصحیح قاعده گذاری در موارد بعدی را اقتضا می‌نماید چرا که مرجع وضع مقررات با ایرادات قانونی مقرر خود آشنا می‌گردد و از وضع مجدد آنان جلوگیری می‌نماید.

مشارکت در نظارت بر کارگزاران: پس از وضع قواعد و سیاست گذاری‌های کلان نوبت به مرحله اجرا می‌رسد. از آن جا که قانون گذار در مرحله اجرا اختیاراتی را برای کارگزاران حکومتی قرار می‌دهد که مستلزم نظارت بر رفتار آنان و تذکر در صورت تخلف از وظایف است، لذا وجود نهادهای نظارت مردمی می‌تواند امکان تخلف کارگزاران را کاهش دهد؛ چرا که ماموران حکومت همواره تحت مراقبت مردم قرار دارند و در صورت خروج از حدود قانونی مورد تذکر قرار خواهند گرفت. ایجاد ساختارهای لازم جهت نظارت مردمی می‌تواند محقق کننده وظیفه مشارکت اصلاحی مردم در حکومت اسلامی باشد.

۲-۳- مشارکت ابتدایی:

منظور از مشارکت ابتدایی مردم در حکومت اسلامی طراحی و تأسیس نهادهایی جهت مسئولیت پذیری و سهیم شدن مردم در امر اداره حکومت می‌باشد، به نحوی که موجب تحقق یکی از اهداف خداوند متعال از امر به تشکیل حکومت و یا تقویت نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسلامی باشد. وجه تمایز میان مشارکت ابتدایی مردمی با مشارکت‌های اصلاحی و تکمیلی در آن است که در این قسم از مشارکت، مردم با توجه به قوانین حکومت و تحت نظارت حاکم و به تشخیص خود از نیازهای روز جامعه اسلامی دست به اقداماتی در راستای مقاصد نظام اسلامی می‌زنند بدون آن که حکومت قبلاً در آن زمینه ورود پیدا کرده باشد. در تبیین این قسم از مشارکت باید نمود که بررسی وظایف و اختیارات حکومت‌ها در طول تاریخ نشانگر تبدیل و تبدل

رویکردها در اولویت بندی وظایف می باشد و هر حکومتی مطابق با شرایط زمانی و میزان اهمیت وظایف، اقدام به عملیاتی نمودن آن ها می نماید. چرا که دولت منابع مالی محدودی در اختیار دارد و متناسب با اهمیت اهداف در عرصه های مذکور اقدام می نماید. (سمیعی نسب، ۱۳۸۸، ۱۶۲-۱۶۳) حکومت اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید با توجه به اوضاع و احوال جامعه اسلامی تحقق برخی اهداف را بر دیگر آن ها ترجیح دهد. از همین رو برخی از اهداف میانی حکومت اسلامی در درجه های اولویت پایین تری قرار می گیرند. به همین علت مشارکت های ابتدایی مردمی در این زمینه ها مانع از بر زمین ماندن اهداف تعیین شده برای حکومت اسلامی می گردد که این امور متناسب با شرایط حکومت متفاوت می باشد. بنابر این مردم در جهت تحقق این وظیفه از یکسو مکلف به شناسایی اهداف حکومت و از سوی دیگر شناخت اولویت های حکومت اسلامی در هر دوره ای می باشند تا از این طریق با مشارکت ابتدایی خود زمینه اجرای کامل دین در عرصه اجتماعی را فراهم نمایند.

در نتیجه آنچه که از مجموعه تقسیم بندی های فوق بر می آید این است که از آن جا که مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی چه در عرصه های حکومتی و چه در عرصه های مردمی وظیفه آنان تلقی می گردد و بر مبنای اوامر خداوند متعال مشارکت مردم واجب شرعی است، در صورتی که اهداف طراحی شده برای حکومت اسلامی در جامعه محقق نگردد، علاوه بر حکومت به عنوان مسئول اصلی اجرای دین، مردم نیز دارای مسئولیت هستند. به بیان دیگر، در ساختار اداره حکومت اسلامی در صورتی که نقص و کوتاهی ملاحظه گردد علاوه بر حکومت؛ مردم باید با مشارکت خود به دنبال رفع آن باشند و خود را در قبال آن موظف بدانند. بنابر این اگر اقامه دین عنوان کلی اهداف میانی حکومت اسلامی باشد در صورت عدم دستیابی به آن هر دو طیف حکمرانان و شهروندان جامعه اسلامی مسئول می باشند و تا هنگام دستیابی به مقصود، هر دو مکلف به تلاش در این راه هستند. هرچند در صورت مشارکت گروهی از مردم در حد کفایت در هر یک از عرصه های تعریف شده و در صورت وصول به اهداف مذکور، مسئولیت دیگران ساقط می گردد.

نتیجه گیری:

مشارکت فعال در اداره حکومت در مفهوم سهیم و شریک شدن افراد جامعه و پذیرش مسئولیت در فعالیت‌ها و وجوه گوناگون زندگی اجتماعی جهت دستیابی به اهداف حکومت اسلامی مشخص می‌باشد. این امر بر اساس مبانی اسلامی بر عموم مسلمانان واجب بوده و تکلیف شرعی محسوب می‌گردد. در تعریف مشارکت سه رکن مسئولیت پذیری، در راستای هدف بودن و همکاری آگاهانه و فعالانه به عنوان ارکان اصلی تعریف محسوب می‌گردد از همین رو مطالعه اهداف حکومت اسلامی جهت فهم مشارکت و تبیین راهکارهای آن ضروری به نظر می‌رسد. در حکومت اسلامی مانند سایر حکومت‌ها می‌توان دو دسته هدف را ترسیم نمود: هدف نهایی و غایی حکومت اسلامی بستر سازی در جهت هدایت جامعه به سوی تقرب الهی و اهداف میانی شامل قسط و عدل، برقراری نظم و امنیت، تعلیم و تربیت و ارتقاء سطح فرهنگ اجتماعی بر مبنای شریعت، تامین رفاه و ریشه کن نمودن فقر و گسترش شعائر اسلامی و... می‌باشد که می‌توان آن را ذیل عنوان اقامه دین در نظام اجتماعی قرار داد.

در جهت تحقق این اهداف مشارکت مردمی امری ضروری تلقی می‌گردد. راهکارهای مشارکت همان مجموعه راه حل‌هایی است که امت اسلامی در راستای تحقق وظیفه خود برای مشارکت در امور حکومت اسلامی از طریق آن اقدام می‌نماید. از این جهت می‌توان مشارکت مردم در حکومت اسلامی را به دو بخش «مشارکت حکومتی» و «مشارکت مردمی» تقسیم نمود.

مشارکت حکومتی به مفهوم مسئولیت پذیری و سهیم شدن در امر اداره در زمینه‌هایی است که حکومت اسلامی امکان آن را فراهم می‌آورد که می‌توان به مشارکت در فرمانبرداری و اطاعت از حکومت، تصدی مناصب حکومتی، انتخاب کارگزاران و تامین منابع مالی از جمله زمینه‌های مشارکت حکومتی اشاره نمود. مشارکت مردمی نیز در مواردی صورت می‌گیرد که اعمال حکومتی کفاف تحقق اهداف حکومت اسلامی را نمی‌نماید که از طریق تکمیل، اصلاح یا تاسیس نهادها و فعالیت‌هایی به یاری حکومت می‌آیند و در اداره آن شریک می‌گردند. به نظر می‌رسد بر مبنای تقسیم بندی فوق در صورتی که در جامعه اسلامی کوتاهی و نقصی در راه

رسیدن به اهداف که همان سعادت دنیا و آخرت است مشاهده گردد، علاوه بر حکومت به عنوان مسئول اصلی، مردم نیز دارای مسئولیت هستند و باید در راه رفع آن کوشش نمایند.

منابع و مآخذ

۱. امامی محمد، حقوق مالیه عمومی، میزان، ۱۳۸۷.
۲. جوادی آملی عبدالله، ولایت فقیه، اسراء، ۱۳۹۰.
۳. خمینی سید روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ هـ ق
۴. خمینی سید روح الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۳ هـ ق
۵. خمینی سید روح الله، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹
۶. دهخدا علی اکبر، لغتنامه دهخدا، انتشارات امیر کبیر، بی تا.
۷. رستمی ولی، مشارکت مردم در قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، (۱۷۹-۲۰۴) ۱۳۸۷
۸. رستمی ولی، مالیه عمومی، میزان، ۱۳۹۰.
۹. رضایی وانی مجید، مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام، انتشارات سمت، ۱۳۸۹
۱۰. سمیعی نسب مصطفی، تحلیل وظایف اقتصادی دولت جهت تحقق عدالت اقتصادی در الگوی ایده آل اقتصاد اسلامی، معرفت سیاسی، ۱۳۸۸ (۱۶۱-۱۹۴)
۱۱. صافی گلپایگانی لطف الله، جامع الأحکام، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، ۱۴۱۷ هـ ق
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، معنویت تشیع، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۴
۱۳. طهرانی محمد حسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۲۱، جلد ۳
۱۴. عمید زنجانی عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳
۱۵. عمید زنجانی عباسعلی موسی زاده ابراهیم، بایسته های فقه سیاسی، انتشارات مجد، ۱۳۸۸

۱۶. فوزی، یحیی - کریمی بیرانوند، مسعود، تفاوت شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی، نشریه علوم سیاسی، ۱۳۸۹ (از ۷ تا ۴۰)
۱۷. قاضی شریعت پناهی ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان، ۱۳۸۳
۱۸. کاتوزیان ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴
۱۹. گروه حقوقی، صرفه جویی در وقت و هزینه با رجوع به داور، ۱۳۹۲، ۱۴
۲۰. مجلسی محمد تقی، یک دوره فقه کامل فارسی، مؤسسه و انتشارات فراهانی، ۱۴۰۰ هـ ق
۲۱. محمدی ری شهری محمد، دانش نامه امیر المومنین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۳، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۶
۲۲. مصباح یزدی محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱
۲۳. مصباح یزدی محمد تقی، کاوش‌ها و چالش‌ها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۲
۲۴. مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، نشر صدرا، ۱۳۸۵
۲۵. مکارم شیرازی ناصر، طرح حکومت اسلامی، مطبوعاتی هدف، محرم ۱۳۹۹.
۲۶. منتظری حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، صلواتی و شکوری، مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ ق
۲۷. مومن قمی محمد، الولایه الالهیه الاسلامیه او الحکومه الاسلامیه، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۳۹۱
۲۸. نصرتی علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، نشر هاجر، ۱۳۸۳.
۲۹. نیازی احمد علی، اهداف و وظایف حکومت دینی، نشریه معرفت سیاسی، (۱۴۹-۱۷۹) ۱۳۸۹
۳۰. ورعی سید جواد، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۱

۳۱. ورعی سید جواد، معیارهای اسلامی بودن حکومت، دبیرخانه مجلس

خبرگان رهبری، ۱۳۸۸

۳۲. یوسفی حیات الله، ساختار حکومت در اسلام، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir